



۲۰۲۱/۱۱/۱۴



محمد نعیم بارز

شاه کار اشرف غنی قبل از فرار!

چه موافقان و چه مخالفان اشرف غنی این را نادیده نمی توان گرفت که وی فردی با استعداد ذاتی - طبعی و صاحب تحصیلات عالی، دارای تجربه کاری در خارج و داخل و اندوخته های شناخت از جنگ های چهل و سه سال اخیر و چند سال در مقام ریاست جمهوری افغانستان دارد و ناظر تلخ ترین روز های به اصطلاح مذاکره «صلح بین امریکا و طالبان» بوده که در نتیجه امضای توافقنامه مذکور غیر از اعتراف شکست از سوی دولت ایالات متحده امریکا و اعضای ناتو در برابر طالبان و پاکستان چیز مثبت دیگری محسوب شده نمیتواند.

طوری که اشاره شد اشرف غنی برای همه تا حدودی یک شخصیت شناخته شده و موقف اجتماعی وی روشن است، در اینجا محور سخن درباره انگیزه و دلیل فرار آن مطرح است که به صورت خلص به آن پرداخته می شود:

یکم: همه در جریان هستند که طالبان تحت حمایت دولت پاکستان و در ارتباط تنگاتنگ با سازمان القاعده که رویداد حمله تروریستی از سوی سازمان مذکور در نیویورک به عمل آمد، دولت امریکا زیر نام دفاع از خود حکومت طالبان را در افغانستان مورد حمله قرار داد، نظام طالبانی سقوط کرد و آنها راه فرار به پاکستان را در پیش گرفتند.

دوم: دولت پاکستان که افغانستان و هند را دو کشور دشمن خود میداند آنها را به آغوش خود گرفته بعد از تجهیز و تسلیح همواره دسته دسته جهت عملیات تروریستی علیه نیروهای ائتلاف بین المللی و دولت افغانستان به کشور ما فرستاده است و این جنگ و جنایات طالبان از یک سو و جنگ نیرو های هوایی و زمینی امریکا در خاک افغانستان از جانب دیگر که منجر به قتل دوهزار و پنج صد نفر سرباز امریکایی و صدها سرباز ائتلاف بین المللی و تعداد بیشمار سربازان و افراد ملکی افغان گردیده و این جریان که بیست سال را در بر گرفته البته بخاطر آن به طول انجامیده است که طالبان عقب گاه مستحکمی برای مانور خاک و حمایت همه جانبه دولت پاکستان را با خود داشتند و تاریخ نشان داده است که هر گاه از سوی گروه های جنگ طلب و تروریستی علیه کشوری به راه انداخته شده است با داشتن چنان عقب گاه برای حمله و عقب نشینی هیچگاه شکست نخورده است، پیروزی انقلاب چین تحت رهبری مائو سته دون با حمایت استالین و انقلاب کیوبا را میتوان مثال آورد.

سوم: واژه «فرار» که در مورد اشرف غنی طور تحقیر آمیز با استعمال کلماتی «دزد» «خائن ملی» و غیره از سوی بسم الله محمدی وزیر دفاع با داشتن دو سیه اختلاس میلیون ها دالر و برادران احمد شاه مسعود و دیگران بکار برده میشود، قبل از تحقیق و بررسی همجانبه و شناخت دقیق حکم در مورد کسی صادر کردند ناشی از همان فرهنگ کوچه و بازاری میراث قصه کا که های سر چوک کابل است والی هر گاه از لحظه ای که انسان در می یابد که پا فشاری او به ادامه جنگ سر انجام به شکست می انجامد ولی بخاطر چند صباح دیگر در قدرت ماندن آن هم با ریختن خون هزاران انسان بی گناه و ویرانی یک شهر و از بین بردن دست آورد های مردم شاید جز جنایات بشری اسم و کلمه دیگری را نتوان بر آن گذاشت.

چهارم: شاید اشرف غنی به چنین درک و نتیجه رسیده بوده باشد در صورتی که طی بیست سال امریکا و ناتو با ادامه جنگ و استعمال هر نوع سلاح در افغانستان نتوانستند علیه طالبان به پیروزی برسند و سرانجام در یک «توافقنامه» ننگین با طالبان شکست خود را پذیرفته اند و در آخرین روز های که آنها به فکر خارج ساختن آخرین

سرباز خود از افغانستان هستند و نیروهای طالبان با تصرف بسی ولایات در عقب دروازه های شهر کابل رسیده اند، چگونه مقاومت کرده طالبان را شکست داد؟

بی تردید او دریافته خواهد بود که جنگ حاصلی در بر نداشته پس در چین وضعیتی اشرف غنی راه و چاره ای دیگر سراغ نداشته لذا بخاطر قطع خونریزی و حفظ جان و هستی مردم به قطعات عسکری امر توقف جنگ را صادر و فرار را برای خود یک امر عقلانی و شرافت اخلاقی دیده نه اینکه چون احمد شاه مسعود و گل بدین حکمت یار بخاطر قدرت چند تا آخرین لحظه جنگید و کابل را با جمعیت پنج شش میلیونی امروزی آن به خاک و خون کشید؟

در پایان آنچه به اختصار گفته شد از نظر من اشرف غنی در آخرین لحظات با داشتن مسئولیت سهمگین شاه کاری از خود نشان داده است که برای جلوگیری از خونریزی بیشتر مردم و خرابی شهر کابل، خواسته طالبان قدرت را بدون جنگ و مقاومت به تصرف خود در آورند تا باشد که ناکامی شرم سار پس از بیست سال جنگ نافرجام را نصیب امریکا و قدرت های جهان کرده و صاحبان قصرهای فرعونى چون عبدالرشید دوستم، قوماندان اسماعیل خان و غیره را در حسرت از دست دادن آن و میلیون ها دالر جایداد های غیر منقول در دل های سنگ شده شان بماند و زیستن در کشور های حامی شان به حسرت گذشته بسوزند تا مگر در یابند که مفهوم جهاد فی سبیل الله و ریختن خون مردم روزی چنین روزگاری را در پی دارد.



برای مطالب دیگر محمد نعیم بارز روی عکس کلیک کنید